

## شفاعت در قرآن و کلام معصومان (ع)

□ (زهرا بهدانی)

آنچه در این مقاله بدان اشاره شده است خلاصه‌ای است از معنای شفاعت، انواع و شرایط آن و یادکرد کسانی که در شفاعت پیشقدم هستند و از طرف خدای متعال اذن شفاعت دارند. در پایان عقاید فرق اسلامی درباره شفاعت و اشکالات وارده، همراه با پاسخهایی که از سوی علمای اسلامی گفته شده آورده شده است.

### معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت

کلمه شفاعت از ریشه «شفع» (در مقابل «وتر») گرفته شده و به معنای زوج و جفت است. مثلاً وقتی می‌گوییم: «کان وترأ فشفعته شفعا»، یعنی تک بود و من آنرا جفت و زوج قرار دادم.<sup>(۱)</sup> همچنین در معنای آن گفته‌اند که به معنای دوبرابر کردن چیزی و ضمیمه کردن چیزی به چیزی است. شفیع را به معنای میانجیگری و واسطه شدن نیز بیان کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> «وتر» به معنای تنها بودن است که نیاز به تأیید و تقریب ندارد.

۱- جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار بیروت و دار صادر، ۱۳۸۸ق.

۲- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران: ۱۳۷۹.

از مجموع آنچه ذکر شد استفاده می‌شود که شفاعت به معنای کمک کردن و تقویت کسی یا چیزی است که ضعیف بوده و نیازمند کمک است. مثلاً عصای دست را شفیع گویند چون با تکیه به آن ضعیف شخص جبران می‌شود. بطور کلی می‌توان گفت که شفاعت یکی از مصادیق سببیت است، یعنی واسطه قرار دادن سبب برای رسیدن به هدف و مطلوب. چه اگر واسطه نباشد رسیدن به مطلوب به دلیل ضعف و قصور طالب میسر نیست.

### شفاعت تکوینی

شفاعت در عالم تکوین به این معناست که نیروهای قویتر جهان به نیروهای ضعیف‌تر ضمیمه شوند و آنها را در مسیر رسیدن به هدف کمک کنند و سرانجام به مقصود برسانند. به بیان دیگر شفاعت تکوینی عبارت است از واسطه قرار گرفتن علل و اسباب بین ذات مقدس خداوند و موجودات خارجی، در تدبیر و تنظیم امورشان.<sup>(۱)</sup>

آیاتی که در قرآن کریم راجع به خلقت آسمان و زمین و قدرت خدا آمده است بیانگر شفاعت تکوینی است. خدا در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید:

«لله ما فی السموات و ما فی الارض من الذلذی یشفع عنده الا باذنه...».

همچنین در آیه ۳ سوره یونس و آیه ۴ سوره سجده به شفاعت تکوینی اشاره شده است.

### شفاعت تشریحی

خداوند تبارک و تعالی، به انسان تفضل فرمود و با ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی و وضع احکام و قوانین و اوامر و نواهی، ما را از نعمت هدایت تشریحی در راه نیل به تکامل برخوردار کرد. پیامبران آمدند تا مردم را به رحمت خداوند بشارت دهند و از سرانجام ناگوار گناه و نافرمانی برحذر دارند. این امر مصداق اتم و اکمل شفاعت تشریحی است. بر این اساس حجت بر مردم تمام است و این بینة و برهان آنها را به پیروی

۱- ناصر مکارم شیرازی و همکاران. تفسیر نمونه. سی و ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۶.

از صراط مستقیم توحید ملزم می‌کند.<sup>(۱)</sup> آیه ۱۱۵ سوره انعام نیز به همین مطلب اشاره دارد. آنجا که می‌فرماید: «و تمت کلمة ريبك صدقاً و عدلاً لا تبدل لكلماته و هو السميع العليم». هدف از شفاعت جلب خیر و دفع ضرر است؛ لیکن شفاعت بدون در نظر گرفتن هرگونه شرطی نیست؛ بلکه همانطور که قبلاً گفته شد شفاعت، واسطه قراردادن چیزی یا کسی به شرط وجود شرایط لازم برای تتمیم سبب است و خودش به تنهایی سبب تام برای رسیدن به مطلوب نیست. با توجه به این نکته، لیاقت که مهمترین شرط شفاعت است حتماً باید وجود داشته باشد تا شفاعت تأثیر نماید، در غیر اینصورت شفاعت معنای درستی نخواهد داشت.

علاوه بر این باید شفاعت شفیع در نزد صاحب شفاعت گزاف و بیهوده گویی نباشد، بلکه شفیع امری را از صاحب شفاعت درخواست کند که معقول و ممکن باشد. شفیع نمی‌تواند به مولا بگوید که مولویت خود را باطل کن و از عبودیت بنده ات صرف نظر نما؛ یا دست از حکم و تکلیفی که بر بنده ات واجب کردی بردار و آن حکم را یا بطور کلی یا بطور خصوصی درباره او نسخ کن!

بنابراین شفیع با در نظر گرفتن این مراحل (مرحله مولویت و عبودیت بین بنده و مولا، مرحله حکم و مرحله جزا و پاداش) به شفاعت می‌پردازد.

شخص شفیع یا به صفاتی که در مولا وجود دارد متوسل می‌گردد، مثل سیادت و بزرگواری مولا یا به صفاتی که در بنده گنجهکار وجود دارد متمسک می‌شود و آن صفات را وسیله جلب رحمت و رأفت مولا قرار می‌دهد، مانند ذلت و مسکنت و پریشانی بنده یا به صفاتی که در خود اوست متمسک می‌جوید، مثل قربابت و نزدیکی او نسبت به صاحب شفاعت و کرامت و علو رتبه او و آن را وسیله شفاعت قرار می‌دهد و غفران و گذشت مولا را برای بنده طلب می‌کند.<sup>(۲)</sup> در قرآن مجید در خصوص شفاعت تشریحیه

۱- محمدحسین حسینی نهرانی. معادشناسی. اول. تهران: حکمت، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۶۶.

۲- محمد حسین طباطبایی. تفسیر المیزان. ترجمه: محمدباقر موسوی. یازدهم. قم: دفتر انتشارات

آیاتی در قرآن مجید وارد شده است. این آیات شفاعت عده‌ای از بندگان را به شرط اذن خداوند تعالی و رضای او اثبات می‌کند:

«یومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن ورضی له قولا» (طه / ۱۰۹)

آیات ۲۳ سوره سبأ، ۲۶ سوره نجم و ۸۶ سوره زخرف نیز به همین مطلب اشاره دارند.

### شفاعت در قرآن

در قرآن مجید حدود ۳۰ آیه درباره شفاعت وارد شده است. این آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول: آیاتی است که بطور مطلق شفاعت را نفی می‌کند، مانند آیه ۲۵۴ سوره بقره:  
«انفقوا مآرزقناکم من قبل ان یأتی یوم لا ینفع فیہ ولا حلة ولا شفاعة».

همچنین آیات ۴۸ سوره بقره و ۴۸ سوره مدثر نیز بر همین معنا دلالت دارند.

گروه دوم: آیاتی است که تنها خدا را به عنوان شفیع معرفی می‌کند:

«مالکم من دونه من ولی ولا شفیع» (سجده / ۴)

گروه سوم: آیاتی است که شفاعت را مشروط به اذن خدا و فرمان او می‌داند:

«من الذی یشفع عنده الا باذنه» (بقره / ۲۵۵)

گروه چهارم: آیاتی است که برای شفاعت شونده شرایطی را بیان کرده است. این

شرایط در بعضی آیات رضایت و خوشنودی خداوند متعال معرفی شده است:

«ولا یشفعون الا لمن ارتضى» (انبیا / ۲۸)

و گاه آن را گرفتن عهد و پیمان نزد خدا معرفی می‌کند:

«لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً» (مریم / ۸۷)

و در آیه دیگر صلاحیت مورد شفاعت قرار گرفتن را از بعضی مجرمان سلب می‌کند:

«ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یتطاع» (غافر / ۱۸)

## شرایط شفاعت

خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره شریفه انبیا، شفاعت را برای کسانی می داند که در نزد او پسندیده باشند «و لا یشفعون الا لمن ارتضى و هم من خشیتة مشفقون».  
اکنون باید دید آیا پسندیدگی در ذات و سرشت مقصود است یا پسندیدگی در عقیده و دین مورد نظر است؟

خداوند متعال در سوره مدثر آیات ۳۸ تا ۴۸ چنین می فرماید:

«کل نفس بما کسبت رهینة - الا اصحاب الیمین - فی جنات یتساءلون - عن المجرمین - ما سلککم فی سقر - قالوا لم نک من المصلین - و لم نک نطعم المسکین - و کنا نخوض مع الخائضین - و کنا نکذب بیوم الدین - حتی اتینا الیقین - فما تنفعهم شفاعة الشافعین»  
از این آیات استفاده می شود که تمام نفوس در گرو اعمال خود هستند و اعمالی که در این دنیا مرتکب شده اند روز قیامت آنان را دربر خواهد گرفت.

اصحاب یمین کسانی هستند که بخاطر داشتن دین و اعتقاد پاک و درست و انجام اعمال و کردار پسندیده، روز قیامت نیازی به شفاعت ندارند. ولی اگر اعمالشان مورد رضایت حضرت حق نباشد نیازمند شفاعتند. زیرا شفاعت اختصاص به گنهکاران از اصحاب یمین دارد؛ کسانی که گناهانشان تا روز قیامت باقی مانده و بوسیله توبه و اعمال حسنه دیگر هنوز از بین نرفته است: «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم» (نساء/۳۱). از این رو شفاعت مربوط به اهل کبائر از اصحاب یمین است.<sup>(۱)</sup>

آیات دیگری هم در قرآن کریم اشاره به شرایط شفاعت شوندگان دارد. خداوند در جایی شفاعت را برای کسیکه خودش از وی راضی باشد بیان می فرماید و این ارتضا را به هیچ قیدی مقید نکرده و به طور مطلق آورده است: «و لا یشفعون الا لمن ارتضى» (انبیا/۲۸).

در این آیه مقام ارتضا اشاره به پسندیدگی عقیده و دین و شایستگی خود فرد گنهکار

دارد، گرچه کردارش چنین نباشد.

اما در جای دیگر می‌فرماید: «من اذن له الرحمن ورضی له قولا» (طه / ۱۰۹).

این آیه اشاره به شرایط شفاعت کننده دارد و علاوه بر اذن خداوند، پسندیدگی گفتار شفاعت کننده را هم قید کرده است. با دقت در دو آیه فوق متوجه می‌شویم که درباره شفاعت شدگان، صحت گفتار و استواری رفتار لازم نیست، زیرا اگر آنها در گفتار و رفتار استوار بودند و فعلشان چون دین و عقیده شان مرضی و پسندیده بود، دیگر نیازی به شفاعت نداشتند و بدون شفاعت به بهشت می‌رفتند.

محرومان از شفاعت

در آیات ۳۸ تا ۴۸ سوره مدثر اشاره به چهار صفت شده است که مجرمان به دلیل اتصاف به این صفات از شفاعت محروم می‌شوند درحالی که اصحاب یمین از این صفات مبرا هستند.

این چهار صفت عبارتند از: ترک نماز، ترک انفاق در راه خدا، فرورفتن در بازیچه دنیا و تکذیب روز قیامت. این صفات از امور زشتی هستند که ارکان دین را منهدم می‌کند.

خداوند تبارک و تعالی در سوره مریم آیه ۸۷ یکی از شرایط شفاعت شدن را داشتن عهد الهی بیان می‌کند: «یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا - و نسوق المجرمین الی جهنم ورداً - لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً» از این آیه معلوم می‌شود که تمامی مجرمین کافر نیستند.

بنابراین مجرمان دو دسته‌اند: گروهی ایمان نداشته عمل صالح انجام نداده‌اند. اینان مجرمانی هستند که دینشان پسندیده نیست و مورد شفاعت قرار نمی‌گیرند چنانکه به عنوان نمونه در آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره شعرا می‌خوانیم: «و ما اضلنا الا المجرمون - فما لنا من شافعین».

اما گروهی از مجرمان هستند که عمل صالح ندارند ولی بر دین حق هستند. اینان همان کسانی هستند که آیه «الا من اتخذ عند الرحمن عهداً» درباره شان صدق می‌کند. اینان به

خاطر داشتن عهد الهی مشمول شفاعت شده و از آتش نجات می‌یابند.<sup>(۱)</sup>

### شفاعت در روایات عامه

بسیاری از اهل سنت روایت کرده‌اند که خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم (ص) خطاب فرمود: «و قل تسمع و سل تعطه و اشفع تشفع».<sup>(۲)</sup>

همچنین در تفسیر آیه شریفه «عسی ان یعبث ربک مقاماً محموداً» گفته‌اند که: «الشفاعة هی المقام المحمود».<sup>(۳)</sup>

### شفاعت در گفتار معصومان (ع)

بطور کلی باید گفت در روز قیامت تمام مؤمنین حتی آن دسته از اصحاب یمین که دیشان پسندیده است احتیاج به شفاعت دارند؛ زیرا هر شخصی، در زندگی خود خطاها و گناهانی دارد که آموزش و پاک شدن این تیرگیها جز از طریق شفاعت امکان‌پذیر نیست. چنانکه از امام صادق علیه السلام در این خصوص روایت شده است:

«ما احد من الاولین و الآخیرین الا و هو یحتاج الی شفاعة محمد صلی الله علیه و آله یوم القیامة».<sup>(۴)</sup>

همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «اما شفاعتی ففی اصحاب الکبائر ما خلا اهل الشرک و الظلم».<sup>(۵)</sup>

در روایات شیعه مرفوعاً از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که: «انی اشفع یوم القیامة فأشفع؛ و یشفع علی الصلوات فیشفع؛ و یشفع اهل بیتی فیشفعون؛ و ان أدنی المؤمنین شفاعة یُشفَعُ فی اربعین من اخوانه کل قد استوجبوا النار».<sup>(۶)</sup>

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «من انکر ثلاثة اشیاء فلیس من

۱- طباطبائی، ج ۱، ص ۲۶۰ - ۲۵۹؛ تهرانی، ج ۹، ص ۲۲۹ و مکارم شیرازی ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- تهرانی، ج ۹، ص ۹۵ و محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، بیت الافکار الدولية، ۱۴۱۹ق، کتاب

توحید، ص ۱۴۱۹، ج ۷۴۴. ۳- تهرانی، ج ۹، ص ۹۳.

۴- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۷۸.

۵- همان، ج ۹۴۸۴. ۶- همان، ج ۹۴۶۶.

۶- تهرانی، ج ۹، ص ۹۸.

شیعتنا: المعراج والمسألة له فی القبر والشفاعة»<sup>(۱)</sup>.

از ابن عباس نقل شده است که: هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از غسل و کفن پیامبر فارغ گردید روی او را باز کرد و گفت:

«بابی انت و امی طبت حیا و طبت میتاً... واذکرنا عند ربک...»<sup>(۲)</sup>.

شفاعت کنندگان

چنانکه گفته شد شفاعت یا تکوینی است یا تشریمی. شفاعت تشریمی هم به نوبه خود بر دو قسم است: یکی شفاعتی که در دنیا اثر بگذارد و دیگری شفاعت در قیامت است.<sup>(۳)</sup>

افراد یا اموری که شفیع انسان در دنیا هستند عبارتند از:

- ۱- توبه از گناه (زمر/ ۵۴)
  - ۲- ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله (حدید/ ۲۸)
  - ۳- عمل صالح (مائده/ ۹)
  - ۴- قرآن کریم (مائده/ ۱۶)
  - ۵- هر چیزی که با عمل صالح ارتباط دارد، مانند: مساجد، اماکن شریفه، ایام و اوقات شریف
  - ۶- طلب مغفرت انبیا و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای امت خود. (نساء / ۶۴)
  - ۷- ملائکه (مؤمن / ۷- شوری / ۵)
  - ۸- مؤمنین (بقره / ۲۸۶)
- و اما شفیعان روز قیامت عبارتند از:
- ۱- انبیا (انبیا / ۲۸)
  - ۲- ملائکه (نجم / ۲۶)

۱- همان. ص ۹۴.

۲- جعفر سبحانی. آیین و هابیت. دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۶۹.

۳- طباطبائی. ج ۱، ص ۲۶۲ و نهرانی. ج ۹، ص ۱۱۱.



البته منظور از شهادت در اینجا کشته شدن در میدان جنگ نیست بلکه شهادت بر اعمال است و شهدا در این آیه به معنی گواهان روز قیامت است. آیه ۸۶ سوره زخرف نیز به همین معناست: <sup>(۱)</sup> «ولا یملک الذین یدعون من دونه الشفاعة الا من شهد بالحق و هم یعلمون».

همچنین مؤمنین نیز از شفیعیان روز قیامت به شمار می آیند، زیرا خداوند تعالی خیر داد که مؤمنین نیز در روز قیامت ملحق به شهداء می شوند.

«والذین آمنوا بالله و رسله، اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم» (حدید/۵۷)  
حدیثی از رسول اکرم ﷺ در این باره روایت شده است: بدین عبارت: «الشفعاء خمسة، القرآن والرحم و الامانة و نبیکم و اهل بیت نبیکم» <sup>(۲)</sup> و نیز از ایشان نقل شده است که فرمودند: «لا شفیع الحجج من التوبة» <sup>(۳)</sup>.

### فلسفه شفاعت و آثار تربیتی آن

یکی از آثار مثبت شفاعت، مبارزه با روح یأس و ناامیدی است چرا که اعتقاد به شفاعت موجب می شود که فرد گنهکار بتواند در مقام جبران خطاهای گذشته برآید. اگر انسان یکسره در خوف بود و زاه امید به کمال و فوز به درجات عالیه بر او بسته بود، هلاک و نابود می شد و حتی قادر نبود برای رسیدن به کمال قدمی به جلو بردارد و اگر پیوسته در حالت امید و رجاء به سر می برد، این امر او را از حرکت به سوی کمال باز می داشت. ولی توأم بودن بیم و امید انسان را از جای خود حرکت می دهد و به سوی کمال پیش می برد.

۱- طباطبائی، ج ۱۸، ص ۱۹۲.

۲- محمدی ری شهری، ج ۶، ص ۲۷۹۴، حدیث ۹۵۰۸.

۳- همان، ص ۲۷۹۶، حدیث ۹۵۱۴.

همچنین باید توجه داشت که بر اساس آموزه‌های دینی هیچ کس نباید به طور قطع خود را مشمول شفاعت یا بی نصیب از آن بداند.

از این رو، اعتقاد به شفاعت نه تنها مایه جرأت و سرسختی با خدا نمی‌شود بلکه می‌تواند از یک انسان گناهکار فردی پاک و صالح بسازد. البته این امر منوط به این است که شخص در مقام توبه و جبران خطاهای گذشته برآید.<sup>(۱)</sup>

### اختلاف فرقه‌های مسلمین در باب شفاعت

معتزله عقیده دارند که شفاعت تنها موجب ازدیاد پاداش نیکوکاران و توبه کنندگان است و به حال گناهکاران تأثیری ندارد. این فرقه معتقدند که هر کس بدون توبه بمیرد امکان مغفرت و شفاعت درباره‌اش نیست.<sup>(۲)</sup>

شیعیان با توجه به آنچه در مباحث قبلی بیان گردید، شفاعت را مربوط به اهل کبائر از مؤمنین می‌دانند و این همان چیزی است که از گفتار معصومین (علیهم‌السلام) بدست می‌آید، چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «اذا كان يوم القيامة نشفع في المذنب من شيعتنا فاما المحسنون فقد نجاهم الله»<sup>(۳)</sup>

اشاعره با توجه به آنچه در بحث عدل به آن معتقدند می‌گویند آنچه خداوند انجام دهد عین عدل است، حتی اگر خداوند مطیعان را کیفر و عاصیان را پاداش دهد این امر عین عدل است.<sup>(۴)</sup>

فرقه وعیدیه (کسانی که به خلود مرتکبان کبیره در جهنم اعتقاد دارند) هم مانند معتزله شفاعت را زیاد کردن پاداش مؤمنینی که مستحق ثواب و پاداش هستند می‌دانند. تفضیلیه (کسانی که به خلود اصحاب کبائر در آتش اعتقاد ندارند) گفته‌اند: شفاعت برای فاسقین از این امت است و نتیجه‌اش آن است که عذاب را از آنان بر میدارد.

۱- تهرانی، ج ۹، ص ۲۱۸ و مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲- مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵. ۳- معادشناسی، ج ۹، ص ۲۴۱.

۴- مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، دوازدهم، صدر، ج ۲، ص ۳۷.

وعیدیه که منکر شفاعت درباره گناهکاران هستند برای اثبات مدعای خود، آیاتی از قرآن را به عنوان دلیل آورده‌اند. نخست به این آیه استناد کرده‌اند: « ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع » (غافر/۱۸).

وجه استدلال این است که در این آیه خداوند متعال شفاعت را درباره ستمگران نفی کرده است و چون فاسقان از زمره ستمگران هستند، مشمول شفاعت قرار نمی‌گیرند. علامه طهرانی در پاسخ گفته است که خداوند شفاعت شفیع مطاع را نفی کرده است ولی از نفی شفاعت شفیع مطاع، نفی شفاعت شفیع مجاب لازم نمی‌آید. از این گذشته چرا در اینجا مراد از ستمگران را خصوص کافران ندانیم؟ ایشان همچنین به آیات شریفه ۲۷ بقره، ۱۲۳ بقره، ۴۸ مدثر و ۲۸ انبیا استناد کرده‌اند که باز هم در جواب باید گفت که در اینجا به جهت جمع بین ادله، باید معنای این آیات به کفار اختصاص یابد.

### اشکالهای وارده بر شفاعت و پاسخ آن

فرقه وهابیت به عنوان یکی از فرق اسلامی با اینکه بسان دیگر مسلمانان شفاعت را به عنوان یک اصل اسلامی پذیرفته‌اند اما در عین حال معتقدند که ما هرگز حق نداریم در این جهان از اولیای الهی طلب شفاعت کنیم. به همین دلیل این فرقه درخواست شفاعت از اولیای الهی را منع کرده‌اند و دلایل متعددی را در سخنان خود آورده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اشکال اول: یکی از اشکال‌هایی که فرقه وهابیت مطرح می‌کنند این است که شفاعت، تنها مختص خداست. در این صورت درخواست شفاعت از دیگران چه معنی دارد؟ ایشان آیه زیر را دلیل بر این امر می‌دانند:

«ام اتخذوا من دون الله شفعاء قل اولو كانوا لایملکون شیئاً و لا یعقلون - قل لله الشفاعة جمیعاً» (زمر/۴۳ و ۴۴).

پاسخ این است که مقصود از جمله «لله الشفاعة جمیعاً» این نیست که تنها خدا شفاعت می‌کند و بس و هیچکس دیگری حق شفاعت کردن ندارد. زیرا شکی نیست که

خدا هیچ گاه درباره کسی نزد کسی شفاعت نمی کند؛ بلکه مقصود این است که خداوند مالک اصل شفاعت است نه بتها و خدایان دروغین. زیرا کسی مالک شفاعت است که از عقل و درک و مالکیت چیزی برخوردار باشد و بت های مورد پرستش آنان فاقد این شرایط هستند. بنابراین مسلمانان فقط خدا را «مالک شفاعت» می دانند و نه هیچکس دیگر را و معتقدند تنها کسی که خدا به او اذن دهد می تواند شفاعت کند.<sup>(۱)</sup>

اشکال دوم: اشکال دیگری که این فرقه بر شفاعت وارد کرده اند این است که درخواست شفاعت از مرده لغو است زیرا قرآن مجید با صراحت کامل مردگان را غیر قابل تفهیم می داند آنجا که می فرماید: «انک لا تسمع الموتی و لا تسمع الدعاء اذ اولوا مدبرین» (نمل / ۸۰). ایشان همچنین آیه ۲۲ سوره فاطر را نیز دلیل بر این مدعا می دانند.

پاسخ این است که آیات فوق بیانگر آن است که اجسادی که روح از آنها جدا شده و دفن شده اند، دارای حیات جسمانی نیستند و جماد هستند. ولی باید توجه داشت که وقتی انسانها با اولیای الهی سخن می گویند و از آنان طلب شفاعت می کنند طرف خطاب ایشان، اجساد نهفته در قبور آن بزرگواران نیست، بلکه ارواح پاک و مقدس آن حضرات که به تصریح قرآن همیشه زنده و جاویدان است و صورت مثالی ایشان که در عالم برزخ به سر می برد مورد خطاب است. چنانچه بر اساس نص صریح قرآن، آنان زنده اند و در نزد خداوند متعال روزی می خورند<sup>(۲)</sup> (آل عمران / ۱۶۱).

اشکالات فوق از طرف فرقه وهابیت مطرح شده است. اما شبهات و اشکالات دیگری نیز از سوی سایر فرق اسلامی بر مسئله شفاعت وارد شده است که در ادامه به بیان برخی از آنها و پاسخ به آن می پردازیم.

اشکال سوم: مخالفین شفاعت معتقدند آیات قرآن کریم دلالت صریح ندارد بر اینکه شفاعت، را کیفری که روز قیامت و بعد از ثبوت جرم بر مجرمین ثابت می شود بر

میدارد، بلکه معنای شفاعت انبیا این است که انبیا، شفیعان مؤمنین هستند چون در رشد و هدایت و برخوردارگی آنها از سعادت دخالت دارند.

در پاسخ باید گفت معنای مزبور یکی از مصادیق شفاعت است و شفاعت منحصر به این مورد خاص نیست. چنانچه آیه ۴۸ سوره نساء نیز مؤید این مطلب است: «ان الله لا یغفر ان شریک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء».<sup>(۱)</sup>

اشکال چهارم: این اشکال مبنی بر این است که شفاعت نه تنها با توحید در پرستش ناسازگار است بلکه با توحید ذاتی نیز سازگار نیست. زیرا لازمه اعتقاد به شفاعت این است که رحمت شفیع از رحمت خدا وسیعتر باشد، زیرا مفروض این است که اگر شفاعت نباشد خداوند متعال گنہکار را عذاب می‌کند.<sup>(۲)</sup>

پاسخ اشکال فوق این است که شفاعت با توحید عبادی و ذاتی هیچ منافاتی ندارد، زیرا رحمت شفیع جز پرتوی از رحمت خداوند متعال نیست و انبعاث شفاعت و رحمت از ناحیه پروردگار است.<sup>(۳)</sup>



۲- مرتضی مطهری. عدل الهی. تهران: صدرا، ص ۲۲۰.

۱- طباطبائی. ج ۱، ص ۲۵۵.

۳- همان، ص ۲۴۰.

## فهرست منابع

- ۱ - آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر عربی به فارسی. تهران: ۱۳۷۹.
- ۲ - بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری. بیت الافکارالدولیه، ۱۴۱۹ ق.
- ۳ - جمال الدین محمد بن مکرم. لسان العرب. داریبروت و دار صادر، ۱۳۸۸ ق، ۱۵ ج.
- ۴ - حسینی طهرانی، محمد حسین. معاد شناسی. تهران: حکمت، ۱۴۰۷ ق، ۲۰ ج.
- ۵ - سبحانی، جعفر. آیین و هایت. دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴، ش.
- ۶ - طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی. یازدهم قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ۲۰ ج.
- ۷ - عمید، حسن. فرهنگ لغت. چهارم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۲ ج.
- ۸ - غروی نائینی. شهلا. شفاعت در قرآن و حدیث. تهران: ۱۳۶۸.
- ۹ - محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمة. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷، ۱۵ ج.
- ۱۰ - مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی. دوازدهم. تهران: صدرا، ۳ ج.
- ۱۱ - مطهری، مرتضی. عدل الهی. تهران: صدرا.
- ۱۲ - مکارم شیرازی و همکاران، ناصر. تفسیر نمونه. بسی و ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ۲۷ ج.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی